

راه‌های برون‌رفت از فتنه در جامعه اسلامی از نگاه امیرالمؤمنین علی علیه السلام با تأکید بر وقایع پس از انتخابات دهم

محسن محمدی الموتی*

چکیده

وضعیت فتنه به شرایط سیاسی و اجتماعی، با مجموعه ویژگی‌های مشخص اشاره دارد که در آن فضا، تشخیص حق از باطل با مشکل مواجه شده و لازم است راه‌های برون‌رفت از آن مورد توجه قرار گیرد. از آنجایی که دوره زمام‌داری امام علی علیه السلام یکی از دوران‌های مثال‌زدنی و عبرت‌آموز تاریخ سیاسی اسلام برای مواجه شدن جامعه اسلامی با فتنه‌های سنگین و شکننده است. مقاله حاضر با بهره‌گیری از روش تاریخی - تحلیلی به بررسی راه‌های برون‌رفت از فتنه در جامعه اسلامی از دیدگاه امام علی علیه السلام می‌پردازد.

هدف اصلی این پژوهش، تبیین راه‌های خروج از فتنه با رویکرد گذار شرایط امروز جامعه اسلامی از فتنه پس از انتخابات دهم ریاست جمهوری می‌باشد. بر این اساس، رعایت تقوای الهی، تقویت بصیرت، شناخت مراکز فتنه و افشای ماهیت آنها، ثبات قدم و پرهیز از احساسات به هنگام پیدایش فتنه، تکیه بر اصول و معیارها به جای سوابق افراد و شخصیت‌ها، پرهیز از تفرقه و اختلاف و رجوع به امام حق و رهبری صالح به هنگام پیدایش فتنه، به عنوان یافته‌های پژوهش معرفی و مورد تجزیه و تحلیل واقع شدند.

کلیدواژه‌ها: فتنه، شبهه، بصیرت، رهبری، جامعه اسلامی، انتخابات دهم.

مقدمه

امام علی علیه السلام می‌فرماید: به راستی چقدر حالات ملت‌ها با هم یکسان و صفات و رفتارشان با یکدیگر همانند است.^(۱) سرنوشت ملت‌ها و نظام‌های سیاسی در ادوار و زمان‌های مختلف اگرچه در هر مقطع شکل متمایز و منحصر به فردی دارد، اما از نظر سنت‌های تاریخی حاکم بر آنها دارای شباهت و همانندی می‌باشد. این شباهت تا حدی است که حوادث و رخداد‌های گذشته می‌تواند در هر دوره با حصول شرایطش تکرار گردد.

بر اساس چنین نگرشی و شناخت قواعد و سنن حاکم بر زندگی انسان‌های پیشین که از مطالعه و بررسی حوادث و وقایع گذشته به دست می‌آید، می‌توان ضمن توجه به راز و رمز پیروزی‌ها و اعتلای جوامع و انحطاط و سقوط آنها، به عنوان چراغی روشنایی‌بخش، راه آیندگان را نیز هموار ساخت.^(۲) این سخن درباره تحولات سیاسی صدر اسلام به ویژه دوران امیر المؤمنین علیه السلام نیز صادق است. دوره زمام‌داری آن امام بزرگوار یکی از دوره‌های مثال‌زدنی و عبرت‌آموز تاریخ سیاسی اسلام برای مواجه شدن جامعه اسلامی با فتنه‌های سنگین و شکننده است، به گونه‌ای که یکی از مهم‌ترین اهداف و تلاش‌های آن حضرت را در طول دوران پس از رحلت پیامبر، بازداشتن جامعه اسلامی از فروغلتیدن در آتش فتنه تشکیل می‌داد.

از سوی دیگر، سلسله وقایع و حوادثی که به دنبال رفتارهای غیرقانونی برخی نامزدها و حامیان آنها پس از انتخابات دهم ریاست جمهوری در کشور رخ داد، ضمن اینکه عظمت و دستاوردهای این حماسه بزرگ را تحت‌الشعاع قرار داد، جامعه اسلامی ایران را وارد شرایط جدیدی نمود که مقام معظم رهبری از آن با عنوان «فتنه عمیق» یاد نمودند. فتنه در بینش اسلام به شرایطی

سیاسی - اجتماعی با مجموعه ویژگی‌های مشخص اشاره دارد که در آن فضا، تشخیص حق از باطل با مشکل مواجه شده و لازم است با آن مقابله جدی نمود. از این منظر، شباهت‌های فراوانی را میان شرایط جامعه و رفتار برخی خواص و نخبگان در دوران امیر المؤمنین علیه السلام و دوران کنونی انقلاب اسلامی می‌توان یافت، اگرچه در سطح توده‌های مردم این مسئله از تفاوت‌های بسیاری برخوردار است. مردم زمان امیر المؤمنین علیه السلام تحت تأثیر جریان‌های انحرافی و خواص و اخورده، از مسیر امام علیه السلام فاصله گرفتند تا آنجا که حضرت در نکوهش نافرمانی آنان فرمودند: «دل من از دست شما پر خون و سینه‌ام از خشم شما مالا مال است. کاسه‌های غم و اندوه را جرعه جرعه به من نوشاندید و با نافرمانی و ذلت‌پذیری رأی و تدبیر مرا تباه کردید.»^(۳) اما قاطبه ملت ایران اسلامی از اول انقلاب تا به امروز با تبعیت و جانفشانی در راه انقلاب و رهبری فرزانه آن، مسیر پیشرفت و سرفرازی را می‌پیمایند و این نکته‌ای است که مکرراً در فرمایش‌های امام راحل و رهبر معظم انقلاب به آن اشاره شده است.

به هر ترتیب، ضرورت و اهمیت این پژوهش از این‌روست که خواص و نخبگان عصر ما همانند دوران امیر المؤمنین علیه السلام در معرض آزمون سختی واقع شده‌اند. رهبر معظم انقلاب در بیانی ضمن توجه به دوران علی علیه السلام و بهره‌مندی از رهنمودهای آن امام بزرگوار، اشاره داشتند: «امروز ما هم در شرایط مشابهی هستیم. طوفان‌های فتنه‌های اجتماعی ما را هم به فروریختن تهدید می‌کند. بنابراین، ما هم به آن درمان‌ها احتیاج داریم و بیش از همیشه به نهج‌البلاغه احتیاج داریم.»^(۴) همچنین از آن‌رو که آثار موجود درباره موضوع فتنه و حوادث پس از انتخابات دهم، عمدتاً به طور مستقل به

تزلزل و نگرانی انسان می‌شود «فتنه» می‌گویند. در حوزه مسائل سیاسی و اجتماعی اموری را که موجب چنین تزلزل‌ها و اضطراب‌هایی در حوزه‌های اعتقادی، باورها و ارزش‌های فرد می‌شود فتنه می‌نامند.^(۸)

به عبارت دیگر، منظور از فتنه، جو آشفته و نابسامان ذهنی و عینی جامعه است به گونه‌ای که امکان تمیز دادن حق از باطل وجود نداشته باشد یا دست‌کم برای عموم مشکل باشد. در چنین مواردی است که بعضی به گمان پیروی از حق به دنبال باطل می‌روند و عملاً در زمره مخالفان حقیقت قرار می‌گیرند، اما خود گمان می‌کنند که کاری نیکو انجام می‌دهند. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: «فتنه یعنی حادثه غبارآلودی که انسان نتواند بفهمد چه کسی دوست و چه کسی دشمن است؛ چه کسی باغرض وارد میدان شده و از کجا تحریک می‌شود.»^(۹) و این مسئله در نتیجه آمیزش حق و باطل و یا پنهان نمودن باطل در لباس حق حاصل می‌شود و جامعه را دچار موج و تلاطم می‌نماید.

۲. شرایط و ویژگی‌های فتنه

برای درک بهتر شرایط و ویژگی‌های فتنه، بجاست به دوره زمام‌داری امام علی علیه السلام اشاره شود؛ زیرا دوره حکومت آن حضرت که از اواسط دهه سوم بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله آغاز گردید با فتنه‌های بسیار عمیق و آزمون‌های بسیار دشوار همراه بود. حضرت در روزهای نخست پذیرش حکومت به این مسئله اشاره نموده و فرمودند:

«أَلَا وَإِنَّ بَلِيَّتَكُمْ قَدْ عَادَتْ كَهَيْئَتِهَا يَوْمَ بَعَثَ اللَّهُ نَبِيَّهُ وَالَّذِي بَعَثَهُ بِالْحَقِّ لَتُبْلِلَنَّ بِلَبْلَةٍ وَ لَتُعْرَبِلَنَّ غَرْبَلَةً وَ لَتَسَاطُنَّ سَوَاطِنَ الْقَدْرِ، حَتَّى يَعُوذَ اسْفَلَكُم أَعْلَاكُمْ وَ أَعْلَاكُمْ اسْفَلَكُم»؛^(۱۰) آگاه باشید! تیره‌روزی‌ها و آزمایش‌ها همانند زمان بعثت پیامبر

مباحث مربوط پرداخته‌اند، این پژوهش می‌کوشد راه‌های برون‌رفت از فتنه را با رویکرد گذار شرایط امروز جامعه اسلامی از فتنه پیش‌آمده پس از انتخابات دهم، حدود و نقطه تمرکز خود قرار دهد.

از این‌رو، با استناد به رهنمودهای امیرمؤمنان در **نهج البلاغه**، سؤالات اصلی نوشتار حاضر این است که چه عواملی باعث پیدایش فتنه در جامعه اسلامی می‌گردد؟ و در صورت ابتلای جامعه به فتنه، راه‌های برون‌رفت از آن چیست؟ سؤالات فرعی نیز این است که فتنه به چه معناست؟ و چه ویژگی‌هایی دارد؟ به منظور پاسخ به سؤالات مذکور، نویسنده با بیان کلیاتی پیرامون مفهوم، شرایط و ویژگی‌های فتنه، ضمن اشاره به دوره زمام‌داری امیرالمؤمنین علیه السلام، با بهره‌گیری از بیانات آن امام همام، به بررسی علل و عوامل فردی و اجتماعی پیدایش این پدیده پرداخته و سپس راه‌های برون‌رفت از آن را با رویکرد گذار شرایط امروز جامعه اسلامی از فتنه پیش‌آمده پس از انتخابات دهم مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است.

الف. مفهوم‌شناسی فتنه و شرایط و ویژگی‌های آن

۱. معنای فتنه

فتنه در اصل به معنای آزمون و طلار در آتش گذاردن است برای آنکه معلوم شود خالص است و از چیزهای دیگر جدا شود.^(۵) در قرآن کریم فتنه به معانی مختلفی نظیر آزمایش و ابتلا، حجت و دلیل، شرک، عذاب و... به کار رفته است.^(۶)

برخی از لغت‌شناسان در وجه جمع معانی و کاربردهای متفاوت واژه فتنه در زبان عربی گفته‌اند: ریشه همه این معانی یک چیز و عبارت است از «هر چیزی که موجب اختلال و اضطراب شود.»^(۷) از این‌رو، به امتحان و آزمایش‌های دشوار و پیچیده که موجب اضطراب و

کنی و همین‌طور باطل را بشناسی و آن‌گاه از روی آن اهلش را شناسایی کنی.^(۱۱)

حضرت با این سخن گران‌قدر تأکید می‌فرمایند که حق را نباید با افراد و آدم‌ها سنجید، بلکه افراد را باید با حق مورد سنجش قرار داد. اگر ملاک تشخیص حق از باطل اشخاص و سابقه آنها باشد، چه بسا مشکلات عدیده‌ای در مسیر تشخیص واقع شود. از این‌رو، علت اصلی ابهام‌ها و تردیدها در رفتار خواص و به تبع آن توده‌های مردم در عصر امیرالمؤمنین علیه السلام حاکم شدن وضعیت فتنه در جامعه بود؛ به این معنا که در جامعه آن زمان شرایطی پدیدار شده بود که تشخیص حق از باطل یا درست از نادرست را دشوار می‌کرد.

حضرت علی علیه السلام در توصیف شرایط و ویژگی‌های فتنه به این مهم اشاره نموده و می‌فرمایند:

فتنه‌ها هنگامی که روی می‌آورند شبیه حق می‌باشند و آن‌گاه که می‌روند و به پایان می‌رسند حقیقت خود را می‌نمایانند و هوشیار می‌سازند. ناشناخته می‌آیند و شناخته شده می‌روند. همچون گردباد می‌گردند و شهری را ویران می‌کنند و شهری را وامی‌گذارند.^(۱۲)

بر اساس این فرمایش گهربار، علاوه بر مشتبه شدن حق و باطل، پنهان و ناشناخته بودن فتنه هنگام پیدایش و فضای گردبادی به گونه‌ای که بسیاری از اشخاص به درستی نتوانند تصمیم بگیرند و ناخواسته در جهت خلاف مسیر اصلی حرکت کنند از دیگر ویژگی‌های فضای فتنه است. سرانجام به تعبیر حضرت، بعد از آنکه گرد و غبار فتنه فرو نشست و مردم آثار و پیامدهای آن را مشاهده نمودند حقایق برای مردم آشکار می‌گردد.

به هر ترتیب، باید گفت: شرایط فتنه شرایطی است که حق و باطل با یکدیگر آمیخته شده و حتی با شعارهای فریبنده لباس حق به باطل، پوشانده می‌شود و پیشینه و

بار دیگر به شما روی آورد. سوگند به خدایی که پیامبر را به حق مبعوث کرد، سخت‌آزمایش می‌شوید، همچون دانه‌ای که در غربال ریزند یا غذایی که در دیگ گذارند به هم خواهید ریخت و زیر و رو خواهید شد تا آنکه پایین به بالا و بالا به پایین رود. تفاوت عمده تحولات زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام این بود که در دوران رسول گرامی صلی الله علیه و آله مرز میان اسلام و کفر مشخص بود و در اکثر جنگ‌ها در یک‌سو اسلام صریح و در سوی دیگر کفر صریح قرار داشت، اما در زمان علی علیه السلام جنگ‌های رخ داده میان جناح‌های داخلی اسلام بود و طرف‌های مقابل حضرت نه تنها ظاهراً مسلمان بودند، بلکه از سابقه‌داران جهاد و مبارزه در راه اسلام به شمار می‌آمدند و حتی برخی صحابه و یاران پیامبر صلی الله علیه و آله نیز در آن جنگ‌ها حضور داشتند. این مسئله موجب شد که نه تنها مردم عادی در تشخیص جبهه حق از باطل دچار مشکل گردند، بلکه حتی برخی از خواص نیز نتوانستند به عمق مسائل آگاه شوند و حق را از باطل تشخیص دهند و در نتیجه به اشتباه افتادند.

شاهد سخن، واقعه‌ای در جنگ جمل است که یکی از یاران حضرت علی علیه السلام به ایشان مراجعه نموده و عرضه می‌دارد: «من در امر حیرت‌آوری گرفتار آمدم. حیرتم از این است که می‌بینم شما با کسانی می‌جنگید که آنها هم از صحابه بزرگ پیامبر بوده‌اند و خود شما هم از نزدیکان رسول‌الله هستید. هر دو طرف منزلت رفیعی در حق و سابقه درخشانی از اسلام دارند. در این امر متحیرم که کدام‌یک از شما را به حق بدانم؟ حضرت ضمن اشاره به توصیه روش‌شناسانه مهمی فرمودند:

تو روش خطایی برگزیده‌ای؛ حق و باطل را از روی شخصیت افراد نمی‌توان سنجید. باید ابتدا حق را بشناسی و سپس از روی حق اهل آن را شناسایی

حبشه و مکه بود. جزء چهار نفری بود که علیه غضب خلافت، همراه علی علیه السلام بود. سلمان فارسی درباره او می‌گوید: «زبیر در یاری رساندن به امیرمؤمنان از همه ما آگاه‌تر بود.» در تمامی جنگ‌ها شرکت داشت و نقطه نقطه تنش مجروح بود. زبیر پسر عمه علی علیه السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله بود و از اولین کسانی بود که با علی علیه السلام بیعت کرد. (۱۶) اما چه اتفاقی افتاد که جزء اولین کسانی شد که بیعت را انکار کرد و اولین جنگ را بر علی علیه السلام تحمیل نمود؟ پس از کشته شدن زبیر، امام علیه السلام بر بالین جنازه‌اش آمدند و شمشیر او را در دست گرفتند و مدتی بر آن گریستند و فرمودند: «با این شمشیر چه بسیار اندوه‌ها از چهره پیامبر زده شد!» واقعاً چه شد که برخی صحابه همچون زبیر به بیراهه کشانده شدند؟

در پاسخ به این سؤال می‌توان مؤلفه‌هایی نظیر ریاست‌طلبی، دنیاطلبی و زراندوزی را بیان نمود. درخواست طلحه و زبیر در خصوص مشارکت در امر حکومت و اینکه انگیزه اصلی آنان از بیعت حکومت نمودن بر برخی مناطق سرزمین اسلامی نظیر بصره و کوفه بوده، شاهد این مدعاست. (۱۷) همچنین گرایش به ثروت و زراندوزی موجب شد که این اشخاص به فتنه و آشوب پردازند. در زمان خلفای پیش از حضرت علی علیه السلام رسم شده بود که هر کس زودتر ایمان آورده بود سهم بیشتری از بیت‌المال دریافت می‌کرد. امام علی علیه السلام بر این باور بودند که این قضیه تبعیض بوده و وجه شرعی ندارد. از این رو، در سال نخست حکومت به هر فردی سهمی مساوی از بیت‌المال اختصاص دادند. این امر موجب شد برخی صحابه مانند طلحه و زبیر سر به اعتراض برداشته و علم جنگ برافرازند و یا به سوی معاویه بشتابند. (۱۸) عبدالله بن عباس در نامه‌ای که به امام حسن علیه السلام نوشته به این نکته اشاره می‌کند که مردم به این علت پدرت را رها

سوابق افراد مدعی حق به گونه‌ای است که امر بر مردم و نخبگان مشتبه شده و آنها را در معرض آزمون سختی قرار می‌دهد.

ب. عوامل پیدایش فتنه

فتنه در مراحل ابتدایی خود به صورت نامشهود و در خفا شکل می‌گیرد و فاقد عوارض ظاهری و خارجی است، اما در مراحل بعدی آشکارا و بی‌پرده رخ عیان می‌کند و آثار و تبعات مضموم خود را در اجتماع ظاهر می‌نماید. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در این رابطه می‌فرمایند: «فتنه از راه‌های پنهانی آغاز می‌شود و به زشتی و سستی می‌گراید. آغازش همچون دوران جوانی پر قدرت و زیبا و آثارش همچون آثار باقی مانده بر سنگ‌های سخت زشت و دیرپاست.» (۱۳) به طور کلی، پیدایش فتنه معلول دو دسته عوامل فردی و اجتماعی است که در ادامه به آنها اشاره می‌شود:

۱. عوامل فردی

الف. پیروی از هوای نفس: امیرالمؤمنین علی علیه السلام سرآغاز و منشأ فتنه‌ها را پیروی از هوای نفس می‌دانند و می‌فرمایند: «تبعیت از هوای نفس از جمله مهم‌ترین عوامل فردی شکل‌گیری فتنه می‌باشد که در عرصه اجتماعی با تحریک محرک‌های بیرونی خود را عیان می‌سازد.» (۱۴) این مضمون با تعبیر دیگری از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند: «بدان ابتدای هر فتنه‌ای حب و دوستی دنیا است.» (۱۵) حب دنیا و هواپرستی می‌تواند ابعاد و شاخه‌های متعددی داشته باشد. برای مثال، ریاست‌طلبی، شهرت‌طلبی، زراندوزی و ثروت‌گرایی از شاخه‌های همین عامل است.

نمونه‌های تاریخی این تحلیل را می‌توان در رفتار برخی خواص بعد از رحلت پیامبر مشاهده نمود. زبیر در زمره نخستین کسانی بود که مسلمان شد. از مهاجران به

اجتماعی در شکل‌گیری فتنه انحراف از احکام و مقررات اسلامی از طریق تحریف یا تغییر برخی از آنهاست. به تعبیر دیگر، بدعت‌گذاری و نوگرایی بدون مبنا در احکام دینی، یکی از ارکان پیدایش فتنه محسوب می‌شود که معمولاً از سوی اندیشمندان، عالمان و روشن‌فکران صورت می‌گیرد و افراد غیرمتخصص و غیرعالم را به گمراهی می‌کشاند.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در ادامه سخنانشان درباره سرآغاز و منشأ پیدایش فتنه، علاوه بر موضوع هواپرستی، به بحث بدعت‌گذاری در احکام نیز اشاره می‌فرماید: «همانا سرچشمه فتنه‌ها هواپرستی و بدعت‌گذاری است که در احکام صورت می‌پذیرد که در آن با کتاب خدا مخالفت می‌شود و گروهی (با دو انحراف یادشده) بر گروه دیگر بر خلاف دین خدا سلطه و ولایت می‌یابند.»^(۲۲)

از کلام مذکور دو نکته اساسی فهمیده می‌شود: نخست اینکه با رواج بدعت‌ها کتاب خدا مورد مخالفت واقع می‌شود و دوم آنکه وقتی پایه بدعتی در جامعه محکم شد بر اساس آن، عده‌ای به ناحق و نه از سر شایستگی و حقانیت، بر دیگران سروری و مهتری می‌کنند و ضوابط شرعی و دینی در این باره به کنار نهاده می‌شود. در چنین وضعیتی است که بستر اجتماع آماده انعقاد نطفه فتنه می‌گردد. امام علی علیه السلام در خطبه‌ای دیگر عامل اصلی غرق شدن بسیاری از افراد در دریای فتنه‌ها را چنگ زدن آنان به بدعت‌ها و رهاکردن سنت‌ها معرفی کرده و می‌فرماید: «جمعی در دریای فتنه غرق شدند، به بدعت‌ها چنگ زدند و سنت‌ها را رها کردند.»^(۲۳)

ب. **تفرقه و اختلاف:** یکی از عواملی که ثبات و تعادل جامعه و حکومت را با چالش روبه‌رو می‌سازد تفرقه و گسستگی اجتماعی است. تفرقه و اختلاف آفتی است که موجب از هم‌گسیختن رشته اتحاد و تفاهم و همبستگی

کرده و به سوی معاویه شتافتند که در تقسیم بیت‌المال به صورت مساوی برخورد کرد و آنها تحمل این اقدام را نداشتند.^(۱۹) و چنین بود که سابقه‌داران جهاد و مبارزه در راه اسلام در جست‌وجوی ویژه‌خواری و هوای نفس غلتیدند و گرفتار حب دنیا شده و در دامن رقیبان امام علیه السلام و مخالفان حضرت جمع شدند و حتی قتل عثمان را به امام علی علیه السلام نسبت دادند.

ب. **ضعف بنیه ایمانی و اعتقادی:** از مواردی که به عنوان زمینه و بستر مساعد برای ایجاد فتنه در جامعه به شمار می‌رود، ضعف بنیه ایمانی و اعتقادی فتنه‌گران و افراد دنباله‌رو آنهاست. به هر میزان که تعداد ناآگاهان از حقایق دینی در جامعه افزایش یابد به همان نسبت باید منتظر وقوع فتنه بود. امام علی علیه السلام در سخنی حکیمانه ارتباط میان فتنه‌انگیزی و ضعف در دین‌شناسی را به این صورت بیان می‌کند: «مردم را روزگاری رسد که در آن از قرآن جز نشان نماند و از اسلام جز نام آن. در آن روزگار بنای مسجدهای آنان از بنیان آباد است و از رستگاری ویران. ساکنان و سازندگان آن مسجدها بدترین مردم زمین‌اند. فتنه از آنان خیزد و خطا با آنان درآویزد.»^(۲۰)

ج. **عدم تفکیک حق از باطل:** یکی از زمینه‌های بروز فتنه سردرگمی فرد نسبت به تشخیص حق و باطل از یکدیگر است. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «اگر باطل با حق در نیامیزد، کار باطل پیش نمی‌رود و اگر حق از باطل جدا و خالص می‌گشت زبان دشمنان قطع می‌گردید. اما قسمتی از حق و قسمتی از باطل را می‌گیرند و به هم می‌آمیزند و آنجاست که شیطان بر دوستان خود چیره می‌گردد.»^(۲۱)

۲. عوامل اجتماعی

الف. **بدعت‌گذاری در قوانین:** یکی از علل بسیار مهم

۳. راه‌های برون‌رفت از فتنه

تا اینجا از عوامل فردی و اجتماعی فتنه سخن به میان آمد و اشاره شد که پیامدها و تبعات این پدیده مذموم چه اندازه بر سرنوشت جامعه تأثیر زیانبار دارد، اما برای مقابله با آن چه باید کرد؟ به عبارت دیگر، راه‌های برون‌رفت از فتنه کدامند؟

الف. رعایت تقوای الهی: امام علی علیه السلام در خطبه ۱۸۳ **نهج البلاغه** می‌فرمایند: «آگاه باشید! آن‌کس که تقوای الهی پیشه کند و از خدا بترسد خداوند راهی برای رهایی از فتنه‌ها به روی او می‌گشاید و با نور هدایت از تاریکی‌ها می‌گریزد.» از این بیان امیرالمؤمنین علیه السلام این نکته دریافت می‌شود که هرگاه در جامعه‌ای روحیه تقوا و پرهیزگاری گسترش یابد، آسیب‌پذیری آن جامعه در برابر فتنه‌های احتمالی کاهش خواهد یافت.

ب. تقویت بصیرت: در فتنه‌ها عامل اصلی شناخت و درک درست داشتن، بصیرت است. بصیرت چراغی است که همواره روشنگر و نجات‌بخش انسان از گمراهی‌هاست و به انسان قدرت می‌دهد تا با حق‌محوری راه صواب را از ناصواب تشخیص داده و راه حق را برگزیند. در سایه بصیرت است که حق و باطل، به خوبی آشکار می‌گردد و انسان از ظواهر اشیا و حوادث عبور نموده و به درکی فراتر از چهره ظاهری آنها نایل می‌آید. حضرت علی علیه السلام در وصف مؤمنان مجاهد می‌فرمایند: «مجاهدان بیش‌های خود را بر شمشیرهای خود برنشانده بودند.»^(۲۶) و در جای دیگر فرمودند: «به مراتب تحمل فقدان بصر آسان‌تر از فقدان بصیرت است.»^(۲۷) از این رو، تقویت بصیرت افراد جامعه یکی از راه‌هایی است که در چارچوب مبارزه ریشه‌ای با فتنه در جامعه حایز اهمیت است.

ج. شناخت مراکز فتنه و افشای اهداف آنها: شناسایی طراحان فتنه و افشای اهداف و انگیزه آنان، یکی از

ملی، هدر رفتن امکانات و توانایی‌های یک ملت و در نهایت سقوط جامعه و نظام‌های سیاسی مستقر می‌گردد. امیرالمؤمنین علی علیه السلام بعد از حادثه تأسف بار صفین و حکمیت تحمیلی که مردم طریق هدایت را گم کرده و جبل الهی را از دست داده بودند و در سرگردانی و تحیر به سر می‌بردند خطاب به آنها سخنانی ایراد می‌فرمایند و در آن، تفرقه و پراکندگی قلوب و آرای مردم را زمینه‌ساز فتنه می‌داند: «همانا شیطان راه‌های ضلال و گمراهی خود را برای شما آسان جلوه می‌دهد تا گره‌های محکم دین شما را یکی پس از دیگری بگشاید و به جای وحدت و هماهنگی، بر تفرقه و پراکندگی شما بیفزاید، و در تفرقه و اختلاف راه فتنه هموار می‌شود.»^(۲۴)

ج. خلل در رابطه امت و حاکمان: در منطق اسلام، رابطه میان امت و حاکمان یک‌طرفه نیست، بلکه حقوقی متقابل مطرح است که به واسطه آن، طرفین بر یکدیگر حقی دارند. رعایت حقوق طرفین، لازمه ثبات سیاسی و اجتماعی نظام است. حضرت علی علیه السلام در این باره می‌فرمایند: «و آن‌گاه که مردم حق رهبری را ادا کنند و زمامدار حق مردم را بپردازد، حق در آن جامعه عزت یابد و راه‌های دین پدیدار و نشانه‌های عدالت برقرار و سنت پیامبر پایدار گردد... و امیدواری و طمع دشمنان به یأس مبدل گردد. اما اگر مردم بر حکومت بشورند و غلبه کنند یا زمامدار بر رعیت ستم و تعدی روا دارد، نشانه‌های ستم آشکار و نیرنگ‌بازی در دین فراوان می‌گردد و راه گسترده سنت پیامبر متروک، هواپرستی فراوان، احکام دین تعطیل و بیماری‌های دل فراوان می‌شود.»^(۲۵) بنابراین، مشخص می‌شود که رعایت این حقوق متقابل از اهمیت و ارزش بسیاری برخوردار است و عدم تحقق آن در بروز فتنه تأثیرگذار خواهد بود.

راه کارهای مقابله با فتنه است. در این راهکار دو هدف نهفته است: نخست آنکه طراحان فتنه و فتنه‌انگیزان به مردم معرفی می‌شوند و دیگر آنکه مردم با پی بردن به اهداف شوم آنان به دام فتنه گرفتار نمی‌شوند.

امیرمؤمنان علی علیه السلام با شناسایی مراکز فتنه‌انگیزی مانند معاویه و خوارج، آنان را به مردم معرفی نمودند و نقاب از چهره فریبکار آنان برداشتند. امام علیه السلام در نامه‌ای به معاویه فرمودند: «از شبهه و حق‌پوشی بپرهیز. فتنه‌ها دیرزمانی است که پرده‌های سیاه خود را گسترانده و دیده‌هایی را کور کرده است.»^(۲۸) و در نامه ۳۲ فرمودند: «ای معاویه، گروه بسیاری از مردم را به هلاکت کشاندی و با گمراهی خود فریشتان دادی و در موج سرکش دریای جهالت خود غرقشان کردی تا آنجا که تاریکی‌ها آنان را فراگرفت و در امواج انواع شبهات غوطه‌ور شدند و از راه حق به بیراهه افتادند...»

د. ثبات قدم و پرهیز از احساسات به هنگام پیدایش فتنه: هرگاه زمانه به فتنه گرفتار آمد و جلوه‌های آن پدیدار گشت نباید دچار احساسات، تزلزل و تردید شد و بدون مطالعه و بررسی همه‌جانبه وارد معرکه گردید. وقتی فتنه‌انگیزان تصمیم می‌گیرند جامعه را دچار سرگردانی و فتنه نمایند، به باطل خود لباس حق می‌پوشانند و با ترفندهای مختلف سیمای حق را مورد هجوم قرار می‌دهند. از این‌رو، در چنین زمانی ممکن است مردم فتنه را نشناخته و چه بسا به استقبال آن روند و از آن حمایت کنند. حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: «وقتی فتنه فرا می‌رسد مانند جوانی است که در عنفوان جوانی به سر می‌برد»^(۲۹) کنایه از اینکه آغاز فتنه همانند دوران جوانی بسیار شاداب، جذاب و پرنشاط است. اما وقتی آتش فتنه خاموش شد و پرده‌ها کنار رفت، «سیمای زشت آن همچون آثار باقی‌مانده بر سنگ‌های سخت زشت و

دیرپاست... طولی نمی‌کشد که پیرو از رهبر و رهبر از پیرو بیزاری می‌جوید و با بغض و کینه از هم جدا می‌شوند و به هنگام ملاقات همدیگر را نفرین می‌کنند.» از این‌رو، هنگام فتنه باید ثابت‌قدم بود و بر اساس احساسات و حدس و گمان موضع‌گیری نکرد. به فرموده امیرالمؤمنین علی علیه السلام: «و در گرد و غبار پیشامدها که به درستی نمی‌توان واقعیت امور را دید و در فتنه‌های در هم پیچیده، ثابت‌قدم و استوار بمانید.»^(۳۰)

ه. تکیه بر اصول و معیارها به جای سوابق افراد و شخصیت‌ها: یکی از مهم‌ترین شیوه‌های مقابله با فتنه در جامعه، تکیه مردم بر حق‌محوری و رعایت اصول و معیارهاست. اصول و ارزش‌ها به خودی خود قابل شناخت و آگاهی است و با وجود پیچیدگی‌ها و دشواری‌های موجود، می‌توان حق و باطل را از طریق خود حق و باطل و معیارهای آن شناخت و آن‌گاه با تکیه بر معیارهای حق و باطل و محک قرار دادن آن، به سراغ شناسایی مصادیق و افراد رفت. فرمایش علی علیه السلام به حارث بن حوط که دوقطبی شدن جامعه برایش سنگین بود قابل تأمل و دقت است که فرمودند: «ای حارث، تو زیر پای خود را دیدی و بالایت را نمی‌بینی؛ از این‌رو، متحیر و سرگردان شدی، تو حق را نشناختی تا بدانی که اهل حق چه کسانی می‌باشند؟ و باطل را نیز نشناختی تا باطل‌گرایان را بدانی.»^(۳۱)

و. پرهیز از اختلاف و پراکندگی و فخر و برتری‌جویی: امیرمؤمنان علی علیه السلام در خطبه ۵ *نهج البلاغه* با اشاره به مقابله با امواج فتنه‌ها از طریق مراجعه به کشتی‌های نجات که همان اهل‌بیت علیهم السلام هستند می‌فرماید: «از راه اختلاف و پراکندگی بپرهیزید و تاج‌های فخر و برتری‌جویی را بر زمین نهدید.»

از این فرمایش گران‌قدر علی علیه السلام این مطلب حاصل

واقعیت این است که ولایت از مهم‌ترین ارکان دین اسلام است و نظام سیاسی اسلام و شیوه حکومتی دین بر پایه ولایت است. ولایت به معنای پذیرفتن رهبری پیشوای الهی و نیز اعتقاد به این است که امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام پس از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از سوی خداوند بر مردم ولایت دارند. ولی خدا حاکم الهی بر مردم است و اطاعت از او به عنوان «اولی الامر» واجب است. (۳۳)

از آن رو که ولایت فقیه شعبه‌ای از ولایت نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امام معصوم عَلَيْهِ السَّلَام است تمام اختیاراتی که پیامبر و امام در اداره امور جامعه داشتند ولی فقیه نیز از آن برخوردار است و به تعبیر امام راحل، «این توهم که اختیارات حکومتی رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بیش از حضرت امیر بود و یا اختیارات حکومتی حضرت امیر بیش از فقیه است باطل و غلط است.» (۳۴)

نکته مهم این است که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام در اداره جامعه دارای اوامر و نواهی بودند و مسلمان و پیرو پیامبر و امام، همان‌گونه که از اوامر و نواهی الهی تبعیت می‌کند باید گوش به فرمان پیامبر و امام نیز باشد ﴿... أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾ (نساء: ۵۹) عین همین مطلب در مسئله ولایت فقیه نیز جاری است. ولی فقیه نیز به دلیل جایگاه ولایتی که به او واگذار شده، دارای اوامر و نواهی ویژه‌ای است و یک مسلمان واقعی همان‌گونه که خود را در برابر اوامر و نواهی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امام معصوم عَلَيْهِ السَّلَام ملتزم می‌داند باید به دستورات ولی فقیه نیز ملتزم باشد. امام ولی امر در جامعه اسلامی نقش محوری دارد و به منزله تسبیحی است که دانه‌های متفرق آن را متحد و منسجم می‌سازد و مانع متفرق شدنشان می‌شود. اگر بنا باشد ولی امر مورد اطاعت قرار نگیرد و مردم و نخبگان با التزام و تعهد برگرد شمع وجودش جمع نشوند اتحاد و

می‌شود که اولاً، گسترش تفرقه و اختلاف در جامعه اسلامی زمینه شعله‌ورتر شدن آتش فتنه را هموار می‌سازد؛ چراکه فرصت را برای فتنه‌انگیزی دشمنان و مخالفان نظام اسلامی مهیا نموده و آنها را در مسیر تحقق اهداف شومشان امیدوار می‌سازد. همچنین صفت رذیله فخر و تکبر و برتری‌جویی موجب می‌شود جامعه نتواند به آرامش لازم دست پیدا کند.

ز. رجوع به امام حق و رهبری صالح به هنگام پیدایش فتنه: از مهم‌ترین و مؤثرترین راه‌کارهای خروج از شرایط فتنه و مقابله با آن، رجوع به امام حق و رهبری صالح به هنگام پیدایش فتنه‌هاست. نقشی که امام و رهبری می‌تواند در نبود و اضمحلال فتنه ایفا کند بی‌بدیل است. رهبر ناخدای کشتی جامعه و امت در دریای متلاطم حوادث و پیشامدهاست.

به هنگام بروز حوادث و فتنه‌های گوناگون، رهبر همانند پرچم و علمای است که چشم امت نظاره‌گر آن است. امام علی عَلَيْهِ السَّلَام خطاب به امتی که در فتنه‌ها و شبهات گرفتار آمده‌اند می‌فرماید: «مردم! کجا می‌روید! رو به کدام طرف می‌کنید؟ پرچم‌های حق برپاست و نشانه‌های آن آشکار است. با اینکه چراغ هدایت روشن‌گر راهند باز گمراهانه به کجا می‌روید؟ چرا سرگردان هستید؟ در حالی که عترت پیامبرتان در میان شماست. آنها زمام‌داران حق و یقینند و پیشوایان دین و زبان‌های راستی و صدق...» (۳۲)

نیز حضرت در خطبه ۱۷۳ **نهج البلاغه** با صراحت بیان می‌دارند که در مواقع اختلاف بین مسلمانان که باطل در لباس اسلام به فتنه‌گری می‌پردازد باید رهبری در شخصی تجسم یابد که به مسائل آشنایی و بصیرت داشته و دارای صبر و تحمل کافی باشد و مواضع حق را بشناسد و سپس مردم را در چنین مواقعی امر می‌کند که از چنین رهبری اطاعت کنند و اوامر و نواهی اش را بپذیرا شوند.

پیوست که عظمت و دستاوردهای این حماسه بزرگ را تحت الشعاع قرار داد.

در مورد ماهیت چیستی و چرایی وقوع این حوادث، نظرات و دیدگاه‌های متفاوتی مطرح گردیده است. برخی این حوادث و تلخی‌های پس از انتخابات را نتیجه بداخلاقی‌های انتخاباتی نامزدها و حامیان آنها در ایام تبلیغات انتخاباتی به ویژه مناظره‌های تلویزیونی دانسته و معتقدند: اگر نامزدها و حامیان آنها صبر و حوصله بیشتری به خرج می‌دادند چنین اتفاقاتی رخ نمی‌داد. گروهی دیگر معتقدند: حوادث اخیر را باید در قالب شکل‌گیری یک جنبش اجتماعی تجزیه و تحلیل کرد؛ جنبشی که خواهان ایجاد تحولات و دگرگونی‌های اجتماعی است که در عرصه انتخابات ظهور و بروز یافته است.

اما جامع‌ترین نگاه، نگاهی است که حوادث اخیر را فراتر از بداخلاقی انتخاباتی و خواسته‌های اجتماعی و در قالب سناریویی طراحی شده با هدف تغییرات سیاسی و حتی براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران تحلیل می‌کند. دیدگاه راهبر و حکیم فرزانه انقلاب اسلامی در ذیل این نگاه می‌گنجد. رهبر معظم انقلاب این حوادث را سناریویی از قبل طراحی شده دانسته و بر این نکته تصریح و تأکید دارند که جامعه اسلامی با فتنه‌ای عمیق مواجه شده است. (۳۵)

در واقع، بسیاری از ریشه‌ها و عوامل فردی و اجتماعی پیدایش فتنه، که از آن سخن به میان آمد، نظیر پیروی از هوای نفس و خودمحوری، آمیخته شدن حق و باطل، ضعف بنیان‌های ایمانی و اعتقادی افراد، پیشنهادهای حاوی بدعت نهادن در قوانین جاری کشور، تفرقه و اختلاف و پراکندگی و...، در وضعیت پیش‌آمده مشاهده می‌شد. این وضعیت (فتنه) که تا پیش از انتخابات به صورت پنهانی در حال شکل‌گیری بود، در مرحله بعد از

انسجام آنها خدشه‌دار می‌گردد و آتش فتنه شعله‌ورتر می‌شود. مخالفت در برابر اوامر ولی امر، میدان را برای نفوذ نامحرمان باز و زمینه را برای ضربه وارد ساختن آنها فراهم می‌کند. کم نیستند افراد فرصت‌طلب که به دلیل کوتاه شدن دستشان در جامعه اسلامی مترصد فرصتی هستند که بتوانند به نظام اسلامی ضربه وارد سازند. بنابراین، لازم است همه مردم و نخبگان در تمامی زمینه‌های سیاسی و اجتماعی مطابق با معیارها و رهنمودهای مقام ولایت عمل کنند و همواره به آن قله مرتفع و شامخ بنگرند و مواضع و اقدامات خود را با شاخصه‌ها و منویات ارائه‌شده توسط ولی‌فقیه منطبق سازند؛ چراکه با توجه و عمل به رهنمودها و هشدارهای مقام ولایت، امواج فتنه‌ها درهم شکسته می‌شود و این نکته‌ای است که همه افراد و جریان‌های سیاسی دلسوز و پیرو انقلاب و خط امام و رهبری به طور شفاف و صریح به آن اذعان می‌نمایند و این موهبتی است که برخی یا اساساً چنین باوری ندارند یا عقیده‌شان سست و بی‌بنیان است و یا گاهی در عمل از انجام تکلیف برخاسته از ولایت‌پذیری سر باز می‌زنند. از این رو، هرگاه جامعه به فتنه مبتلا شد یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین راه‌های نجات از فضای غبارآلود آمیختگی حق و باطل، نگاه به رهنمودها و شاخصه‌های ترسیم‌شده توسط امام حق و رهبری صالح جامعه است.

انتخابات دهم و فتنه

انتخابات ۲۲ خرداد ماه ۱۳۸۸ که با حضور قریب به ۴۰ میلیون ملت همراه بود، باشکوه‌ترین انتخابات تاریخ انقلاب اسلامی محسوب می‌شد، اما متأسفانه پس از این انتخابات باشکوه، مجموعه‌ای از حوادث به دنبال رفتارهای غیرقانونی برخی نامزدها و حامیان آنها به وقوع

اقدامات نسنجیده‌ای علیه نهادهای قانونی نظام، مردم را به اردوکشی خیابانی به منظور ابطال انتخابات فراخواند. البته در این مسیر نباید نقش برخی احزاب و تشکیلات و شخصیت‌های سیاسی را نادیده انگاشت که با همراهی و حمایت وسیع مالی و تبلیغاتی رسانه‌های بیگانه در شعله‌ور نمودن آتش فتنه تلاش می‌نمودند.

سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی در خطبه‌های نماز جمعه تهران می‌توانست فصل‌الخطاب همه این رفتارها و حوادث باشد. رهبر معظم انقلاب در آن اجتماع با شکوه فرمودند:

آن کسانی که به یک نحوی یک نوع مرجعیتی در افکار مردم دارند، از این سیاسیون و رؤسای احزاب و کارگردانان جریانات سیاسی که یک عده‌ای از اینها حرف‌شنوی دارند، اینها خیلی باید مراقب گفتار خود باشند. اگر آنها کمی افراطی‌گری کنند، دامنه این افراطی‌گری در بدنه مردم به جاهای بسیار حساس و خطرناکی خواهد رسید که گاهی خود آنها دیگر نمی‌توانند آن را جمع کنند؛ که ما نمونه‌هایش را دیده‌ایم... اگر نخبگان سیاسی بخواهند قانون را زیر پا بگذارند یا برای اصلاح آبرو، چشم را کور کنند، چه بخواهند و چه نخواهند، مسئول خون‌ها و خشونت‌ها و هرج و مرج‌ها آنهایند. من به همه این آقایان، این دوستان قدیمی، این برادران توصیه می‌کنم بر خودتان مسلط باشید. سعه‌صدر داشته باشید، دست‌های دشمن را ببینید، گرگ‌های گرسنه کمین‌کرده را که امروز دیگر نقاب دیپلماسی را یواش یواش دارند از چهره‌هایشان برمی‌دارند و چهره حقیقی خودشان را نشان می‌دهند ببینید، از اینها غفلت نکنید. (۳۸)

رهنمودها و هشدارهای معظم‌له به همه جریان‌های

انتخابات به صورت آشکار و بی‌پرده عیان نمود. یکی از نامزدها که در سخنرانی‌ها، مناظره‌ها و مصاحبه‌های پیش از برگزاری انتخابات ریشه مشکلات کنونی کشور را فاصله گرفتن از راه امام و ارزش‌های اصلی انقلاب می‌دانست، تلاش گسترده‌ای به عمل آورد تا خود را احیاگر راه و خط امام خمینی علیه السلام معرفی کند.

وی همچنین خود را فردی معرفی می‌نمود که با اعتقاد به ولایت فقیه وارد صحنه انتخابات شده است: «با اعتقاد به ولایت فقیه وارد صحنه شدم. ولایت فقیه بزرگ‌ترین نقش را در پیروزی انقلاب داشته است و ما در این ۳۰ سال، بدون این اصل هر لحظه ممکن بود به فضای قبل از انقلاب غلت بزنیم. ولایت فقیه ما را در مقابل کودتا و خودمختاری‌ها حفظ کرده است. من با قبول این مسئله وارد عرصه انتخابات شده‌ام.» (۳۶)

همچنین وی، پیش از برگزاری انتخابات با تأکید بر قانون‌گرایی و حرکت بر مدار قانون، درباره علت حضور خود اظهار می‌داشت که با توجیه قانون‌شکنی‌ها و ایستادن دولت کنونی در برابر قانون احساس خطر می‌کند. او همچنین در خصوص جایگاه نهادهای مختلف در قانون اساسی می‌گوید: «ما در کشور خود یک قانون اساسی داریم که در آن جایگاه نهادهای مختلف به دقت مشخص شده است و ما هم باید از همین‌جا شروع کنیم. اینجا بحث از سلیقه اینجانب و دیگری بیهوده است و اگر کسی به قانون اساسی اعتقاد نداشته باشد و نامزد شود با مردم خدعه کرده است و همه باید ملتزم به قانون باشیم.» (۳۷)

اما برخلاف همه این ادعاها، این نامزد انتخاباتی تحت تأثیر القانات جریانات پشت پرده، برای اولین بار در ۳۰ سال گذشته، پیش از اتمام انتخابات و شمارش آراء، خود را پیروز انتخابات اعلام کرد و پس از اعلام نتایج نیز با اصرار بر موضوع «تقلب»، با اتخاذ مواضع و

سیاسی که با حمایت میلیونی نمازگزاران همراه بود، نوید همراهی همه نیروهای انقلاب را می‌داد، اما رفتارهای صورت‌گرفته توسط برخی نامزدها و جریان‌های همسو با آنها نشان از حرکتی در مسیر خطرناک انتحار سیاسی و رویارویی با نظام اسلامی می‌داد.

بیانیه‌های این نامزدها، و برخی از احزاب افراطی و شخصیت‌های هوادار آنها پس از انتخابات نشان می‌داد که آنها ایستادن در برابر حاکمیت و ولی فقیه را یک امر مشروع برای احیای حق تلقی می‌کنند و همچنان بر این موضوع پافشاری می‌کنند که در انتخابات تقلب شده و حقوق مردم نادیده گرفته شده است.

یکی از نامزدها در بیانیه شماره ۵ خود که در فردای پس از بیانات رهبر معظم انقلاب صادر گردید، ضمن تن ندادن به مسیر مشخص شده توسط قانون اساسی و زیر سؤال بردن شورای نگهبان در برابر رهنمودهای مهم رهبری انقلاب ایستاده و می‌نویسد: «اکنون مقامات کشور با صحنه گذاشتن بر آنچه در انتخابات گذشت مسئولیت آن را پذیرفتند و برای نتایج هرگونه تحقیق و رسیدگی بعدی حد تعیین کرده‌اند.»^(۳۹) با توجه به این نوع اظهارات و مواضع، این سؤال اساسی پیش می‌آید که آیا این‌گونه موضع‌گیری‌ها و بیانیه‌ها که در چند روز بعد از انتخابات از برخی افراد و جریان‌های سیاسی، به ویژه از سوی برخی نامزدها دیده شد، نشان از نقض سخنان قبل از انتخابات و تضاد در قول و فعل آنها نیست؟! به هر ترتیب، انتخابات دهم فرصت و امتحان عظیمی بود که طی آن برخی افراد، نخبگان و گروه‌ها که بعضاً سابقه درخشانی نیز در راه انقلاب داشتند لغزیدند و چهره‌ای متفاوت و متناقض از آنچه می‌نمودند به نمایش گذاشتند. لکن شایسته است کسانی که اشتباه تصور می‌کردند و رفتاری غلط در حوادث اخیر پیمودند دست از لجاجت بردارند و به

آغوش ملت، نظام و انقلاب بازگردند. نیز شایسته است تمامی نخبگان از همه جریانات سیاسی به این سخن مقام معظم رهبری که در روز عید مبعث در خصوص خواص فرمودند، دقت و توجه ویژه‌ای نمایند: «نخبگان سر جلسه امتحانند. امتحان عظیمی است. در این امتحان مردود شدن، رفوزه شدن فقط این نیست که ما یک‌سال عقب بیافتیم، سقوط است.»^(۴۰)

نتیجه‌گیری

در مجموع، می‌توان به گزاره‌های ذیل به عنوان نتایج این پژوهش اشاره نمود:

۱. وضعیت فتنه به شرایط سیاسی و اجتماعی، با مجموعه ویژگی‌های مشخص اشاره دارد که در آن فضا، تشخیص حق از باطل با مشکل مواجه شده، پیشینه و سوابق افراد مدعی حق به گونه‌ای است که امر بر مردم و نخبگان مشتبه شده و آنها را در معرض آزمون سختی قرار می‌دهد.
۲. به طور کلی، پیدایش فتنه معلول دو دسته عوامل فردی و اجتماعی است. عواملی همچون پیروی از هوای نفس، ضعف بنیه ایمانی و اعتقادی، و عدم تفکیک حق از باطل در زمره عوامل فردی و بدعت‌گذاری در قوانین، تفرقه و اختلاف و خلل در رابطه امت و حاکمان به عنوان عوامل اجتماعی پیدایش فتنه به شمار می‌آیند.
۳. مهم‌ترین راه‌های برون‌رفت از شرایط فتنه با ابتنا به رهنمودهای امیرمؤمنان علیه السلام در **نهج البلاغه** عبارتند از: رعایت تقوای الهی، تقویت بصیرت، شناخت مراکز فتنه و افشای ماهیت آنها، ثبات قدم و پرهیز از احساسات به هنگام پیدایش فتنه، تکیه بر اصول و معیارها به جای سوابق افراد و شخصیت‌ها، پرهیز از تفرقه و اختلاف و رجوع به امام حق و رهبری صالح به هنگام پیدایش فتنه.

۳۸- سخنرانی مقام معظم رهبری، نماز جمعه تهران، ۲۹ خرداد ۱۳۸۸.

۳۹- اداره سیاسی سپاه، همان، ص ۴۱.

۴۰- سخنرانی مقام معظم رهبری، ۲۹ تیر ۱۳۸۹.

منابع

- **نهج البلاغه**، ترجمه محمد دشتی، قم، مشرقین، ۱۳۷۹.

- ابن اثیر، **الکامل فی التاریخ**، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

- ابی‌الحدید، عبدالحمیدبن، **شرح نهج البلاغه**، تحقیق محمدابوالفضل ابراهیم، قاهره، دارالاحیاء الکتب العربیه، ۱۳۷۸ق.

- اداره سیاسی سپاه، **تحلیلی بر انتخابات دهم ریاست جمهوری و حوادث پس از آن**، تهران، ۱۳۸۸.

- اصفهانی، راغب، **مفردات الفاظ القرآن**، ترجمه غلامرضا خسروی، تهران، مرتضوی، ۱۳۶۳.

- امام خمینی، **ولایت فقیه**، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۳.

- بیانات رهبر معظم انقلاب، www.farsnews.ir

- پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، **اندیشه سیاسی در گفتمان علوی**، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۴.

- حسنی، علی‌اکبر، **تاریخ تحلیلی و سیاسی اسلام**، تهران، فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸.

- شریفی، احمدحسین، **موج فتنه**، تهران، کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۸.

- کلینی، محمدبن یعقوب، **اصول کافی**، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲.

- محدثی، جواد، **پیام‌های عاشورا**، قم، پژوهشکده تحقیقات اسلامی، ۱۳۸۱.

- محمدی ری‌شهری، محمد، **منتخب میزان‌الحکمه**، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۳.

- مصطفوی، حسن، **التحقیق فی کلمات القرآن‌الکریم**، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸.

- مطهری، مرتضی، **جاذبه و دافعه علی علیه السلام**، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

- یعقوبی، احمدبن ابی‌یعقوب، **تاریخ یعقوبی**، بیروت، دارصادر، بی‌تا.

پی‌نوشت‌ها

۱- **نهج البلاغه**، ترجمه محمد دشتی، خ ۱۹۲.

۲- علی‌اکبر حسنی، **تاریخ تحلیلی و سیاسی اسلام**، ص ۳۱.

۳- **نهج البلاغه**، خ ۳۷.

4. www.andisheqom.org

۵- راغب اصفهانی، **مفردات الفاظ القرآن**، ترجمه غلامرضا خسروی، ص ۶۲۳.

۶- ر.ک: محمد: ۳۱؛ انعام: ۲۳؛ بقره: ۱۹۱؛ ذاریات: ۱۳.

۷- حسن مصطفوی، **التحقیق فی کلمات القرآن‌الکریم**، ص ۲۷-۲۲.

۸- احمدحسین شریفی، **موج فتنه**، ص ۴۱.

۹- بیانات رهبر معظم انقلاب، ۸ مرداد ۱۳۸۸، www.farsnews.ir

۱۰- **نهج البلاغه**، خ ۱۶.

۱۱- مرتضی مطهری، **جاذبه و دافعه علی علیه السلام**، ص ۳۰۸-۳۱۰.

۱۲- **نهج البلاغه**، خ ۹۳.

۱۳- همان، خ ۱۵۱.

۱۴- همان، خ ۵۰.

۱۵- محمدبن یعقوب کلینی، **اصول کافی**، ص ۲۰۸.

۱۶- ر.ک: ابن اثیر، **الکامل فی التاریخ**، ج ۲، ص ۳۰۲.

۱۷- ر.ک: احمدبن یعقوب یعقوبی، **تاریخ یعقوبی**، ص ۱۷۹-۱۸۰.

۱۸- پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، **اندیشه سیاسی در گفتمان علوی**، ص ۱۲۱.

۱۹- ابن ابی‌الحدید، **شرح نهج البلاغه**، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، ص ۲۳.

۲۰- **نهج البلاغه**، حکمت ۳۶۹.

۲۱ و ۲۲- همان، خ ۵۰.

۲۳- همان، خ ۱۵۴.

۲۴- همان، خ ۱۲۱.

۲۵- همان، خ ۲۱۶.

۲۶- همان، خ ۱۵۱.

۲۷- محمد محمدی ری‌شهری، **منتخب میزان‌الحکمه**، ترجمه حمیدرضا شیخی، ص ۷۴.

۲۸- **نهج البلاغه**، نامه ۶۵.

۲۹ و ۳۰- همان، خ ۱۵۱.

۳۱- همان، حکمت ۳۶۲.

۳۲- همان، خ ۸۷.

۳۳- جواد محدثی، **پیام‌های عاشورا**، ص ۲۱۳.

۳۴- امام خمینی، **ولایت فقیه**، ص ۶۳.

۳۵- اداره سیاسی سپاه، **تحلیلی بر انتخابات دهم ریاست جمهوری و حوادث پس از آن**، مقدمه.

۳۶- سخنرانی میرحسین موسوی، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۸.

۳۷- سخنرانی میرحسین موسوی در دیدار با جمعی از نخبگان استان خوزستان، ۱۳۸۸.